



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

زندگینامه‌ی

شید اسماعیل خباری

شید اسماعیل خباری در سال ۱۳۳۳ در یک خانواده مذهبی در خوش بر دنیا آمد. پدر بزرگ ایشان متولی حسینیه کبیره کوئیخ بوده و پدر ایشان از قاریان قرآن در آن حسینیه بود اسماعیل زیر نظر چنین پدر و پدر بزرگی رشد و نو نمود. ایشان فرزند ارشد خانواده بودند. ۱۷ ساله بودند که پدر را از دست دادند و ناچار شندضمن ادامه تحصیل سپر پرستی خانواده را هم بر عده بگیرند و مشغول کار در یکی از شرکت های خصوصی ترجیح کالا (شرکت کوارزاده) شدند و از این طریق گمی به امرار معاش خانواده می کرد.

در سال ۱۳۵۰ از طریق شید محمدی آلبونغمیش با امام (ره) و مبارزات ایشان آشناسند و در جلساتی که بنام آموزش قرآن در حسینیه کبیره برگزار میشد شرکت فعال داشت و در جذب دیگر جوانان به این کلاسها همت بلندی داشت. در این جلسات معمولاً بحث های سیاسی و پیغامبریهای رژیم شاه مورد بحث قرار میگرفت و دروغگذری ذهن جوانان تاثیر بسزائی داشت که نتایج این جلسات تریست جوانانی بود که هکی در خدمت اعتصاب و دفاع مقدس قرار گرفتهند. این جلسات با فشار سواک بر هیئت امنی حسینیه چند نوبت به تطليق کشیده شد ولی باز هم در حسینه ای دیگر و

یا مسجدی دیگر برگزار کردید که اکثر مردم این جلسات با همت شهید آلبو غمیش و پیکیری های شهید اسماعیل خباری و دیگر دوستان صورت گرفت. با علنی شدن مبارزات مردم علیه رژیم شاه شهید در بیخ مردم کوشش جهت شرکت در تظاهرات و اعتراضات حضور فعال داشت. و تجات را به ایام از مبدأ حسینیه به دیگر تعاط شر جهت شرکت در ایام ایام اعظام میگردید که شهید ناصردہ نقش موثری داین امر داشت.

پاپروزی اقلاب اسلامی ایشان به همراه عده ای از دوستان مرکزی را در کوشش راه اندازی نموده و در حظ امنیت این قسمت از شهر شبانه روز فعالیت نمود و با عوامل ایجاد نامنی به مبارزه برخاست، علاوه بر آن کمیته ای به نام (کمیته ارزاق) جهت گمک به محرومان در منطقه کوشش مشکل می میگردید که شهید یکی از افراد فعال در این کمیته بود. اهداف این کمیته علاوه بر توزیع حادله ارزاق کمایب میان مردم محل گمک مادی و معنوی (توزیع ارزاق و ماحصل زندگی، لوازم خانگی، گمک به ازدواج جوانان، تهیه جزئیه و...) به قشر مستضعف کوشش بود.

با شروع گمک تحمیلی عراق علیه ایران، ایشان از همان ابتداء حضور فعالی در جهاد داشت. وی علاوه بر شرکت در مقاومت ۴۵ روزه خرمشهر از سقوط قسمت شمالی شهر باز هم حاضر به ترک شهر شد و در قسمت جنوبی (محور کوشش) به عملیات پدافندی به همراه دیگر هم زمان ادامه میهند تا باقی مانده شهر از سقوط در امان باشد. شهید عزیز علاوه بر حضور در خطوط پدافندی در بسیاری از عملیات های آفندی که در سال های قبل از شهادت بوقوع پیوست (ثامن الائمه، طریق القدس، فتح المسین، میت المقدس، خیبر و...) حضور فعال داشتند و در خطوط پدافندی جزیره مینود سال ۱۳۶۳ به همراه برادران پسری (حجاج صاحب عبودزاده) و (عادل پور کاویان) بر اثر انفجار گلوله و قصنه ۱۰۶ بُلدت زخمی و از

ناجید سرو و کردن و چهار سو گتی شده و به سیارستان متعلق شدند و پس از اعزام به تهران در یکی از سیارستان ها بستری و تخت دیمان قرار گرفت.

شہید اسماعیل خباری بلا فاصله بعد از دیمان به جمهه بازگشته و علی رغم ناراحتی های ناشی از کازهای شیمیائی که موجبه از کار افتادن قسمی از ریه های وی شده بود و نفس کشیدن را برای وی مشکل کرده بود ولی دوری از همزمان راجایز ندانسته و به حضور فعال خود در جمهه ادامه داد.

نهایتاً، وی آخرین ساعات و دقایق عمر پر برکت خویش را هم در کنار سایر همزمان در شهر خود گذرا نمود در سال ۱۳۶۴ بر اثر شدت جراحات شیمیائی واردہ نفس کشیدن در هوای آلوده شهر برای وی ناممکن میگردید و در جمهه خرمشهر در نزد یکی فرمانداری به خیل غطیم شد و پیوست.

روح شادوراهش پر رحم و باد

